فلفل نبین چه ریزه

تلگرام‌نوشت دکتر محمد فاضلی
عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی



این ضرب‌المثل «فلفل نبین چه ریزه، بشکن ببین چه تیزه» برای توجه کردن به یکی از مسائل مهم کشور یاری می‌کند، و آن‌را در خاطر ما نگه می‌دارد تا هر وقت با این مسأله مواجه شدیم، بگوییم «فلفل نبین چه ریزه».

من هر بار درباره لزوم صرفه‌جویی در آب شرب و بهداشتی خانه‌ها نوشته یا مطلبی منتشر کرده‌ام، گروهی برایم چیزی شبیه به این جملات را نوشته‌اند: «نود درصد آب کشور در کشاورزی مصرف می‌شود، حالا شما گیر داده‌ای به این پنج شش درصد آب شرب؟ ... حالا این حمام و دست‌شویی رفتن مردم شد عامل کم‌آبی؟ چرا فکری به حال آب کشاورزی نمی‌کنید؟»

این گونه عبارات دو بخش دارند. بخش اول درست است که حجم آب مصرف‌شده در بخش شرب و بهداشت در کل ایران نسبت به بخش کشاورزی کم است. اگرچه در برخی شهرها (بالاخص شهرهای بزرگ مثل تهران، اصفهان و شهرهای بزرگ) حتی آب کشاورزی نیز برای شرب مهار می‌شود. حدود شش میلیارد متر مکعب برای شرب و بهداشت شهری و روستایی مصرف می‌شود (این همان فلفل نسبتاً ریز است در مقابل آب کشاورزی). گفته می‌شود مقدار آب کشاورزی ده پانزده برابر این مقدار است. اما درباره بخش دوم، یعنی کم‌اهمیت بودن صرفه‌جویی در آب شرب نکات زیر را هم باید مد نظر داشت. اول، آب شرب اهمیت حیاتی دارد و کمبود آن به سرعت به مسأله‌ای اجتماعی با پی‌آمدهای دردآور برای زندگی مردم بدل می‌شود. تصور کنید سه روز آب منزل‌تان قطع شود (تصور کن، اگرچه تصور کردنش سخت است).

دوم، گاه هزینه تولید هر متر مکعب آب شرب (حتی در اقتصاد یارانه‌ای ایران) حدود ۱۰۰۰ تومان است و ده‌ها و گاه بیش از صد برابر هزینه تولید آب کشاورزی است، پس هزینه هدررفت هر لیتر آب شرب هم ده‌ها برابر هدر رفت هر لیتر آب کشاورزی است.

سوم، اهمیت آب به‌طور کلی، و آب شرب در هر منطقه، تابع اقلیم و ظرفیت‌های منطقه، و امکان‌پذیری دست یافتن به منابع آب بیشتر است. برای مثال هر چه منابع آبی در دسترس بوده برای تأمین آب شرب تهران بهره‌برداری شده‌است و تقریباً منابع آبی دیگری وجود ندارد. وقتی آب بیشتری وجود ندارد، یعنی دیگر قیمت و نسبت آب شرب به کل آب کشاورزی کشور مهم نیست. همین آب موجود را باید با صرفه‌جویانه‌ترین شکل استفاده کرد.

چهارم، آب بر خلاف برق یا گاز، به راحتی قابل انتقال نیست (البته انتقال برق و گاز هم هزینه سنگین و ملاحظات و پی‌آمدهای زیادی دارد). سرعت انتقال برق و سهولت بیشتر آن امکان می‌دهد تا کمبود برق را حتی از کشورهای دیگر هم تأمین کرد، اما آب اصلاً این گونه نیست. هزینه انتقال آب بسیار زیاد است و ساخت خطوط انتقال نیز سال‌ها طول می‌کشد. مردم ایران امروز هر متر مکعب آب را با قیمت حدود ۴۷۰ تومان مصرف می‌کنند. قیمت آب در برخی پروژه‌های انتقال آب که امروز درباره آن‌ها بحث می‌شود، بین متر مکعبی ۵ هزار تا ۱۳ هزار تومان در نوسان است. آیا شما حاضرید این رقم را بابت قیمت آب بپردازید؟ (تصور کن، اگرچه تصور کردنش سخت است)

پنجم، کم شدن آب کشاورزی می‌تواند با تغییر دادن اشتغال کشاورزان، صنعتی‌شدن و وارد کردن محصولات کشاورزی و تأمین غذا (البته به سختی و با پی‌آمدهای سنگین) جبران شود؛ اما آب شرب را در مقیاس کلان نمی‌توان وارد کرد. آب شرب از این منظر، اهمیت اجتماعی، سیاسی و حتی امنیتی دارد.

ششم، منابع آب شرب برخی مناطق، بسیار خاص است و برای مثال چاه‌های محدودی برای تأمین آب شرب وجود دارد. این گونه نیست که بتوان منابعی را به‌راحتی جایگزین این چاه‌ها کرد. بنابراین هدررفت چنین آبی، قابل مقایسه با منابع آب بخش کشاورزی نیست.

این دلایل سبب می‌شوند مقایسه آب شرب و آب کشاورزی از اساس نادرست باشد. ما باید هم‌زمان به فکر اصلاح بدمصرفیِ کشورسوز خود در زمینه آب و انرژی باشیم؛ و هر دو عرصه شرب و بهداشت، و کشاورزی را هم هدف بگیریم. فلفلی بودن اندازه آب شرب و بهداشت (فلفل سیاه ریز و تیز) در مقابل درشت بودن مقدار آب کشاورزی (شاید مثل فلفل دلمه‌ای) نباید سبب شود، صرفه‌جویی در آب شرب را بی‌اهمیت تلقی کنیم. آب شرب و آب کشاورزی اگرچه هر دو آب هستند، اما این تشابه ظاهری نباید تفاوت‌های اساسی آن‌ها را نادیده بگیرد.